

سومین نشست علمی از سلسله نشست‌های «نقش انگلیس در تجزیه اراضی ایران» برگزار شد

روایتی از ۲۳۰ سال زیاده‌خواهی وتوطئه

فرهنگستان سومین نشست علمی از سلسله نشست‌های «نقش انگلیس در تجزیه اراضی ایران» به همت موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای‌مذله) به مناسب روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس (شهادت رئیسعلی دلواری) وبا حضور تنی چند از تاریخ‌پژوهان حوزه تاریخ معاصر روز گذشته در محل این موسسه برگزار شد.

حقانی: جریان نفوذ گاهی شعارهایش را عوض می کند و با خواست عمومی همراه می شود



موسی حقانی، رئیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در ابتدای این نشست با بیان اینکه کشور ما در طول تاریخ هیچ‌وقت مستعمره نشد، ولی شرایطی بدتر از شرایط استعماری بر کشورمان تحمیل شد و کشور ما لطامت فراوانی از استعمار و به‌ویژه دولت انگلستان و کمپانی هند شرقی دید، گفت: «هر وقت بحث نفوذ استعمار در ایران می‌شود، عده‌ای مطرح کنندگان بحث استعمار را به توطئه‌اندیش بودن متهم می‌کنند و توطئه‌بیگانگان را توهم می‌دانند و نقش مخرب استعمار را در عقب نگه داشتن سرزمین‌های اسلامی نادیده می‌گیرند، در صورتی که هرکس توطئه را انکار کند، گویی خورشید را انکار کرده؛ چون هم خود آنها و هم چشم‌های بینا و قلم‌ها این توطئه‌ها را ثبت و ضبط کرده‌اند.»

وی با اشاره به اینکه عده‌ای اساسا توطئه را منکر می‌شوند، گفت: «جماعت منوال‌فکری در ایران همین رویکرد را دارند و الان هم نمایندگان‌شان در کشور کتاب می‌نویسند و صحبت می‌کنند و وقیحانه سیاست‌های مخرب

انگلستان را انکار می‌کنند و می‌گویند مشکل، داخلی بوده و ریشه مشکل داخلی را یکی به حاکمیت قاجار در دوره معاصر و دیگری هم به روحانیت و اسلام برمی‌گردانند.»

معاون موسسه مطالعات تاریخ ایران با بیان اینکه جریان دیگر جریان انقلابی و فعال است که توطئه‌ها را می‌بیند، ولی مرعوب نمی‌شود و مبارزه می‌کند، تصریح کرد: «این مبتنی بر رفتاری بوده که ملت ما و مرجعیت شیعه در طول ۲۰۰ ساله اخیر داشته‌اند. دشمن را با همه دبدبه و کبکبه‌ای که داشت می‌دیدند ولی مرعوب نمی‌شدند و مبارزه می‌کردند و بارها هم بینی دشمن را به خاک مالیدند.»

وی افزود: «ملت ایران توطئه را دیده و منشأ آن را هم تشخیص داده و علیه آن با مقاومت فعالیت کرده ولی هیچ‌گاه مرعوب نشده است.»

حقانی ادامه داد: «از ۲۳۰ سال اخیر درگیر مکر و زیاده‌خواهی‌های انگلیس هستیم و در تمام این دوره تاریخی اقدام‌های انگلیس را برای تجزیه و نابودی ایران می‌بینیم.»

وی با اشاره به اهمیت هرات برای ایران اظهار داشت: «منابع انگلیسی می‌گفتند که اگر هرات توسط ایران یا روس‌ها گرفته شود، روس‌ها در هرات کنسولگری می‌زنند و در بخش‌های دیگر افغانستان نیز کنسولگری‌شان را توسعه می‌دهند و این‌طوری تا هند می‌آیند. درواقع هرات از نظر انگلیس، کلید دستیابی به هند بود.»

رجبی دوانی: هرات کلید راه هندوستان برای ایران و کشورهای دیگر بود



محمدحسن رجبی دوانی، عضو کارگروه پژوهشی تاریخ معاصر موسسه انقلاب اسلامی در ادامه این نشست با بیان اینکه هرات کلید راه هندوستان برای ایران و کشورهای دیگری بود که می‌خواستند از مرز زمینی به هند دسترسی پیدا کنند، گفت: «لذا هرات از اهمیت ویژه‌ای برای انگلیس، ایران و دولت‌های اروپایی برخوردار بود. در سال ۲۷۳ هجری قمری افغان‌ها به تحریک انگلیسی‌ها شورش کردند و تصمیم داشتند که هرات را جدا و مستقل کنند و انگلیسی‌ها هم از آنها حمایت می‌کردند و سرانجام دولت وقت ایران ناگزیر شد این شورش را سرکوب کند و هرات را به دامن کشور بازگرداند و این پنج سال بعد از شهادت امیرکبیر بود.»

وی افزود: «دولت انگلیس وقتی حسن کرد هرات در حال سقوط است، برخلاف معاهداتش با ایران برای فشار به ایران، به بندر بوشهر حمله کرد و آنجا را به تصرف خود درآورد. این اتفاق باعث شد که همه از سراسر ایران برای رقتن به جبهه نبرد بسیج شوند، ولی با کارشکنی دولت وقت این اعزام متوقف شد.»

آنچه من می‌خواهم درباره جنگ سوم هرات بیان کنم، منظر و مواضع علمای ایران در جریان جنگ سوم هرات است.

رجبی دوانی ادامه داد: «زمینه‌های صدور فتاوای علما را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد که یکی از آنها عهدشکنی دولت انگلیس بود. علت دوم هجوم به بندر بوشهر بدون هیچ عذر و بهانه و اشغال آن شهر و پیشگیری انگلیسی‌ها به داخل کشور بود. همچنین دلیل سوم نگرانی از سلطه کفار انگلیس بر سرزمین اسلام یعنی ایران و برچیده شدن اسلام و شعائر و رسوم مسلمانان و مساجد و برافراشته شدن پرچم کفر و رونق گرفتن آیین مسیحی و کلیسا در کشور و به عبارتی دیگر تبدیل دارالاسلام به دارالکفر بود. همچنین بر باد رفتن جان، مال، اعراض و نوامیس مسلمانان و به ذلت و بندگی درآمدن آنها توسط کفره انگلیسی دلیل دیگر صدور این فتاوا بود.»

رجبی دوانی با طرح این سوال که تثبیت و انعکاس شخصیت سیاسی انگلیسی‌ها در ادبیات سیاسی علمای شیعه چه بوده است، گفت: «مکر، خدعه، فریبکاری، سالوسی، دورویی و نقض عهد و پیمان شکنی از عباراتی است که نه برای شوروی بلکه فقط برای انگلیس ذکر شده است.»

نگاه

آقازاده‌ها؛ اسب تروای آمریکا!

همچنین باعث شده است تا مه جنگ رقیق تر شود.
امادر عین حال در پهنه بین الملل و در جوامع مختلف هوشیاری سیاسی افزایش یافته و متمرکز شده است، لذا اندیشمندانی چون جوزف نای اقدام به تئوریزه کردن مفهومی جدید با عنوان قدرت نرم، در کنار قدرت سخت کردند؛ امری که آمریکائان را به صورت مشخص در دوران جنگ سرد و برای رقابت با شوروی، به صورت جدی در دستور کار قرار داد. پس از فروپاشی شوروی نیز این مساله، در چارچوب هژمونی آمریکا مورد بهره‌برداری جدی قرار گرفت، لذا می‌توان قدرت نرم آمریکا را به صورت مشخص‌تری در مسیر رهبری جهانی این کشور مورد بررسی قرار داد.

فروپاشی شوروی به‌عنوان پایان‌دهنده جنگ سرد، یکی از موفقیت‌های ایالات متحده آمریکا درخصوص بهره‌گیری از قدرت نرم است. به بیان دیگر، قدرت نرم آمریکا، یکی از دلایل اصلی فروپاشی شوروی محسوب می‌شود. در این خصوص جوزف نای به نقل از یکی از مورخان نوشته است: «اگرچه قدرت نظامی و وعده‌های سیاسی ایالات متحده برای تنظیم زیربنای موفقیت آمریکا در جنگ سرد اروپا مهم بود اما این اقتصاد آمریکا و جذابیت فرهنگی این کشور بود که واقعا ذهن‌ها و قلب‌های اکثریت جوانان اروپا را برای دموکراسی غربی از آن خود کرد... هرگاه مصرف‌گرایی واقعی داخل رینگ شود، احتمال اینکه سوسیالیسم واقعی شکست بخورد افزایش می‌یابد.»^۱

آمریکا برای اعمال قدرت نرم خود از راه‌های مختلفی استفاده کرده است که یکی از آنها جذب دانشجویان

سیاست

رئیس موسسه مطالعات تاریخ ایران ضمن تأکید بر اینکه سیاست‌های انگلیس در مقطع قاجار بسیار پیچیده است، بیان داشت: «سرداران افغانستانی که در آن مقطع علیه ایران شورش می‌کردند هیچ کدام دنبال استقلال نبودند و حتی باصراحت حکومت بر ایران را مطرح می‌کردند، اما از زمانی که پای انگلیسی‌ها در اتفاقات افغانستان باز می‌شود، بعضی‌ها علم تجزیه‌طلبی را مطرح می‌کنند و وقتی می‌بینند حریف دولت ایران نمی‌شوند، مدام پیغام می‌دهند که ما حاضریم از دولت ایران تبعیت کنیم.»

حقانی با اشاره به اینکه انگلیسی‌ها سه بار به ما سند رسمی دادند که هرات متعلق به ماست و از همه نظر دست‌مان پر بود، تصریح کرد: «هفت‌سال آخر ناصرالدین‌شاه بدترین‌سال هاست و ما دوبار اقدام به گرفتن هرات کردیم و همه اسناد، مأخذ و منابع تأکید داشتند که هرات بخش جدایی‌ناپذیر ایران است و خود افغان‌ها تأکید داشتند، لذا از همه نظر دست‌مان پر بود.»

وی افزود: «در ماجرای جنگ سوم هرات، انگلیسی‌ها و سفیر آنها در ایران، بد رفتاری زیادی با ایرانی‌ها دارند تا جایی که ناصرالدین‌شاه به تنگ آمده بود. در این دوره سپاه ایران آماده می‌شود که هرات را بگیرد، ولی قبل از این مقاله‌ای در وقایع اتفاقیه منتشر می‌شود که می‌گوید «صدراعظم ایران -یعنی میرزا آقاخان نوری- مخالف جنگ و موافق سیاست انگلیس بود. در این دوره کشور ایران یکپارچه ضدانگلیسی است و منشأ همه تحریکات

ابوالحسنی: انگلیس محور اصلی شرارت و کانون تحولات توطئه علیه ایران اسلامی است



محمدصادق ابوالحسنی، تاریخ‌پژوه نیز در ادامه با بیان اینکه در روزهای گذشته شاهد موج ضدانگلیسی در ملت ایران هستیم، گفت: «ما دیدیم چگونه انگلیسی‌ها سرت درپایی را با خیانت حقوقی دادگاه انگلیس تلفیق کردند و با تبعیت از مطامع آمریکا جلوه‌ای دیگر از استعمار «سام‌کسون» را به نمایش گذاشتند.» وی با تأکید بر اینکه بزرگ‌ترین درس عاشورا دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی است، اظهار داشت: «تأکیدات علما اول شناخت عمیق سیاست انگلیس و دوم تقابل مدبرانه و عالمانه است و به‌جرات می‌توان گفت استعمار انگلیس محور اصلی شرارت و کانون تحولات توطئه علیه ایران اسلامی است.»

ابوالحسنی ادامه داد: «ما نه قائل به توهم توطئه از مدل دایی جان ناپلئونی هستیم و نه توطئه‌ستیز افراطی هستیم، ما بعد از اینکه توطئه برایمان مسجل شد، به توطئه کاوی می‌پردازیم و عالمانه با آن مقابله می‌کنیم و تعارفی با کسی نداریم.»

وی به پروژه نفوذ و نسبتش با تجزیه و بلع ایران توسط انگلستان اشاره و خاطرنشان کرد: «انگلیس که همواره پلکانی، صبور و رموز اغراضش را پیش می‌برد، در دو مقطع به‌طور شتابزده و آشکار برای بلع فوری ایران گام برمی‌دارد که یکی بحث قرارداد رزی و نهضت تحریم تنباکو هست که شخص است درصدد بلع کل ایران هستند و راز دوم هم قرارداد ۱۹۱۹ است. ویژگی انگلیسی‌ها که گاهی دست آنان را رو می‌کند، حرص و طمع بی‌مورد آنان است.» وی ادامه داد: «باید اظهار تاسف کرد که با وجود خباثت‌های فراوان انگلیس و نقش آن در جدایی هرات و بخش‌های دیگری از ایران، ولی حافظه تاریخی ملت ایران متوجه ترکمنچای، گلستان و جاهایی است که بیشتر روس‌ها برجسته هستند. اما از اینکه هرات کی جدا شد و چه اتفاقی برای سیستان و بلوچستان افتاد، حرفی به میان نمی‌آید.»

ابوالحسنی افزود: «علاوه‌بر اینکه انگلیس در سیر تحولات تاریخی ضدایرانی و ضدشرقی عمل کرد، در عین حال زمام امر تاریخ‌نگاری را

هم در دست گرفت و خیلی جاها خود را تظهير کرد و انگشت اتهام را به سمت جبهه روحانیت شیعه و رجال سازش‌ناپذیر گرفت.»

این تاریخ‌پژوه با بیان اینکه استعمار انگلیس سراغ یخه‌ها نمی‌رود، گفت: «یکی از برنامه‌های استعمار انگلیس حذف رجال مستقل و سازش‌ناپذیری است که مانع اصلی تجزیه و بلع ایران بوده‌اند، لذا در هر دو قرارداد رزی و ۱۹۱۹ وقتی این جبهه مقابل این دو قرار داد شکل می‌گیرد، بگیر و ببند شدید راه می‌افتد.

اگر مقاطع تاریخ معاصرمان را می‌بینیم، یکی از خیزهای استعمار انگلیس وقتی است که یک‌سری سدهای مقاوم و شخصیت‌های برجسته ما از بین می‌روند؛ درگذشت حسام‌السلطنه در سال ۱۳۰۰ قمری، درگذشت میرزاسعیدخان مومتن‌الملک در سال ۱۳۰۱ قمری، میرزایوسف‌خان مستوفی‌الممالک در سال ۱۳۰۳، فرهادمیرزا در سال ۱۳۰۵ و مهم‌تر از همه حاج میرزاعلی کنی در ۱۳۰۶ درگذشت‌هایی است که به وقوع می‌پیوندند.»

وی با تأکید بر اینکه امروز برای گرفتن جلوی نفوذ باید رجال سازش‌ناپذیر تقویت شوند و در عرصه باشند و نه ترور فیزیکی شوند و نه ترور شخصیتی، تصریح کرد: «ما به اینها نیاز داریم و اینها عملا سدی در برابر استعمار هستند که‌ما اینکه عناصر غرب‌گرا عملا تبدیل به روزنه نفوذ می‌شوند. هرچند مدل استعمار کهنه و کلاسیک را می‌گوییم و در استعمار فران‌و خود فرد به این سمت حرکت می‌کند.»

وی با اشاره به اینکه هفت‌سال آخر ناصرالدین‌شاه مصادف با تغییر استراتژی انگلیس از استعمار کهنه به استعمار نو است، گفت که این نکته‌ای است که باید مدنظر داشته باشیم و تحولات هرات و سایر اقدامات انگلیس را در این چارچوب بررسی کرد. یکی از راه‌های مهم که برای از میان برداشتن رجال سازش‌ناپذیر صورت می‌گیرد حذف فیزیکی هم بود و اعدام شیخ فضل‌الله نوری در ماجرای مشروطه انتقام انگلستان از نهضت تحریم تنباکو بود، چراکه شیخ با زوی پرتحرک میرزای شیرازی در ماجرای نهضت تحریم تنباکو بود. بعد در تلگراف‌هایشان هم خود مقامات انگلیسی و هم وابستگان‌شان می‌نویسند: «خوب شد که شیخ فضل‌الله از سر راه برداشته شد و حتی می‌نویسند: «نور بارانی دار مبارک.»

سومین رئیس‌جمهور ایالات متحده قرار داشت. وی سرانجام رئیس‌یکی از نهادهای مهم بالاترین مرجع قانون‌گذاری در حزب کمونیست شوروی سابق و یکی از روشنفکران کلیدی در زمان رهبری میخائیل گورباچف شد. الک کالوگین از همشارگردان وی و یکی از مقامات بلندپایه ک‌اگب گفته بود که با نگاهی به گذشته و قبل از سال ۱۹۹۷ می‌توان دریافت که «مبادلات دانشگاهی برای اتحاد جماهیر شوروی مانند اسب تروا بود. این مبادلات نقش بزرگی را در فرسایش سیستم شوروی ایفا کردند... و در طول سال‌ها مردم را بیشتر و بیشتر آلوده می‌کردند.»^۲

حال در شرایطی که در برابر سیاست فشار حداکثری آمریکا قرار داریم، نگاهی به سوابق مسئولان فعلی دولت و مجلس و ارگان‌های مختلف که در دانشگاه‌های آمریکا و دیگر کشورها از جمله انگلیس تحصیل کرده‌اند به‌خوبی می‌توان به اهمیت این دارایی با ارزش برای دشمنان‌مان پی برد.

تا جایی که مجله آمریکایی آتلانتیک در گزارشی در سال ۹۲ نوشت: «تعداد اعضای کابینه آقای روحانی که از دانشگاه‌های آمریکا با مدرک دکتری تخصصی فارغ‌التحصیل شده‌اند از تعداد اعضای کابینه آقای باراک اوباما که دارای این مدرک از دانشگاه‌های این کشور هستند، بیشتر است.» این گزارش افزوده درواقع تعداد دکتره‌های فارغ‌التحصیل آمریکا در کابینه‌رئیس‌جمهور ایران بیشتر از اعضای کابینه فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های آمریکا در دولت‌های کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و روسیه یا اسپانیا روی هم رفته است.^۳

ماجر اامادامه‌دارد، این مدیران و مسئولان فارغ‌التحصیل کشورهای خارجی، آقازاده‌های خود را هم روانه آمریکا و انگلیس کرده‌اند تا پس از چندسال تحصیل و زندگی لاکچری به کشور برگردند و جایگزین پدران‌شان در

مسئولیت‌ها شوند. آنچنانکه بعضی آمارها نشان می‌دهد بیش از چهارهزار آقازاده در کشورهای چون آمریکا و انگلیس مشغول به تحصیل هستند.

مریم فریدون (دختر حسین فریدون)، فاطمه لاریجانی (دختر علی لاریجانی)، عیسی هاشمی (پسر معصومه ابتکار)، مهدی هاشمی (پسر مرحوم اکبرهاشمی)، سجاد خوشرو (فرزند غلامعلی خوشرو نماینده ایران در سازمان ملل و داماد حسین فریدون)، دو فرزند بیژن زنگنه، دو فرزند رضا اردکانیان، فرزندان محمدجواد ظریف و ... از جمله آقازاده‌های مقامات سطح بالای کشور هستند که در کشورهای خارجی از جمله آمریکا و انگلیس تحصیل کرده یا می‌کنند.

این چندهزار آقازاده و به‌طور خاص آقازاده‌های مسئولان تراز بالای کشور به تعبیر کالین پاول وزیر اسبق امور خارجه آمریکا دارایی با ارزش آمریکا هستند، که آمریکا از آنها مانند اسب تروا در استحال، تغییر محاسبه در نظام تصمیم‌گیری کشور و ابزار نفوذ استفاده خواهد کرد.

پی‌نوشت

۱- جوزف نای (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)

۲- محمود رضا گلشن‌پژوه (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی ۳- جوزف نای (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)

4-https://www.farsnews.com/news/13920913001533